

## درجه بازبودن تجاری و شادی در کشورهای منتخب در حال توسعه

علی کاوند

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

[kavandali@abru.uc.ir](mailto:kavandali@abru.uc.ir)

یونس نادمی (نویسنده مسئول)

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آیت الله بروجردی، بروجرد، ایران

[Younesnademi@abru.ac.ir](mailto:Younesnademi@abru.ac.ir)

نوع مقاله: علمی- پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۵

### چکیده

دستیابی به جامعه‌ای شاد یکی از اهداف امروزی جوامع بشری محسوب می‌شود که چگونگی دستیابی به آن، توجه بسیاری از پژوهشگران و سیاستمداران را به خود جلب کرده است. در این پژوهش نیز یکی از ابعاد این موضوع مهم مورد بررسی قرار گرفته است. هدف مقاله حاضر بررسی ارتباط درجه بازبودن تجاری و شادی در کشورهای منتخب در حال توسعه در بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۲۲ با روش پانل گشتاوری تعمیم‌یافته بوده است. نتایج برآورد مدل نشان داده است که درجه بازبودن تجاری تأثیری غیرخطی و آستانه‌ای همانند U معکوس بر شادی داشته است. دلایل این نتیجه را می‌توان به تنوع محصولات مصرفی و در نتیجه افزایش مطلوبیت و رضایت مصرف‌کننده در مراحل ابتدایی بازشدن اقتصاد و در ادامه با گسترش درجه بازبودن و عبور از آستانه، تأثیر منفی درجه بازبودن بر شادی را می‌توان به مواردی چون افزایش نابرابری توزیع درآمد، تفاوت شادی انتظاری و تحقق‌یافته و اثرات جهانی‌شدن بر نهادهای غیررسمی نسبت داد.

طبقه‌بندی *JEL*: F69, D69, O57, C23

**کلید واژه‌ها:** درجه بازبودن، شادی، کشورهای در حال توسعه، روش پانل گشتاوری تعمیم‌یافته

## ۱. مقدمه

اخیراً در علم اقتصاد توجه بسیاری به بررسی عوامل موثر بر شادی یا شادکامی یا به تعبیر این جی<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) رفاه و از نظر (فری و اشتوتزر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ دِلان<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۰۸) بهزیستی ذهنی و به اعتقاد فرَنک<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) شادی، رفاه، بهزیستی، رضایت از زندگی و مطلوبیت، شده است. توجه به بهزیستی ذهنی در علم اقتصاد در مقایسه با روانشناسی نسبتاً جدید است. در روانشناسی، عوامل موثر بر رفاه ذهنی برای چندین دهه بررسی شده‌اند (دییر<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۹). استفاده از اندازه‌گیری علمی و مستقیم مطلوبیت بازگشت به نقطه شروع اقتصاد کلاسیک است (کاهنمن<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۹۹۷). اگرچه اکثر مدل‌های اقتصادی فرض می‌کنند که مطلوبیت با مصرف برابر است، و درآمد بهترین معیار رفاه است، اما استفاده از مطلوبیت این مزیت را دارد که می‌توان از آن برای بررسی رابطه بین رضایت کلی از زندگی، درآمد و بسیاری از ویژگی‌های انسانی که مورد توجه اقتصاددانان است استفاده کرد. دو رویکرد اقتصادی برای عوامل موثر بر رفاه ذهنی وجود دارند. رویکرد اول بر تعیین‌کننده‌های در سطح فردی بهزیستی ذهنی متمرکز شده است. در رویکرد دوم، علم اقتصاد با استفاده از داده‌های بهزیستی ذهنی، به بررسی عوامل موثر در بهزیستی ذهنی می‌پردازد. با این وجود، توجه کمتری به رابطه بین بازبودن اقتصادی و بهزیستی ذهنی شده است (ایکسین<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). در میان اقتصاددانان اندازه‌گیری رفاه در قالب شاخص‌های عینی سابقه بیشتری دارد و از میان شاخص‌های مهم به شاخص درآمد سرانه اشاره شده است. از این رویکرد، انتقادهای بسیاری شده است و سعی شده است تا از شاخص‌های کامل‌تری استفاده شوند (استیگلتز<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۹)<sup>۹</sup>. رویکرد جایگزین برای اندازه‌گیری رفاه، رویکرد رفاه ذهنی است. این رویکرد رفاه را در قالب شاخص شادی و رضایت از زندگی اندازه می‌گیرد و برای این امر از مردم می‌خواهد تا به پرسش‌هایی مانند تا چه حد از زندگی خود خوشحال هستند و یا رضایت

1. Ng

2. Frey & Stutzer

3. Dolan

4. Frank

5. Dieer

6. Kahneman

7. Xin

8. Stiglitz

9. World Bank, 2009, World Development Indicators, Washington DC

دارند پاسخ دهند. جواب به سوال اول شاخص شادی یا شادکامی و جواب به سوال دوم شاخص رضایت از زندگی اطلاق می‌شود. آن بخش از علم اقتصاد که در بررسی‌های رفاه از شاخص‌های رفاه دهنی استفاده می‌کند، به اقتصاد شادی یا شادکامی شناخته شده است. در اقتصاد شادی از علوم اقتصادی و روانشناسی به صورت ترکیبی استفاده می‌شود. اولین اقتصاددان جدیدی که در اوایل دهه ۱۹۷۰ مفهوم شادی را بازنگری کرد استرلین<sup>۱</sup> است. همچنین، از اواخر دهه ۱۹۹۰ اقتصاددانان به‌طور وسیعی به بررسی مفهوم شادی و ارتباط آن با متغیرهایی مانند درآمد، بیکاری، تورم، مذهب، نظام‌های سیاسی و کیفیت کالاهای عمومی پرداخته‌اند (نیلی، بابازاده خراسانی و شادکار، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر سعی بر این است تا تاثیر بازبودن تجاری بر شادی بررسی شود. فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از: ۱- درجه بازبودن تجاری تاثیر غیرخطی و آستانه‌ای بر شادی دارد، به‌طوری‌که توان اول آن تاثیر مثبت و توان دوم آن تاثیر منفی بر شادی دارد. ۲- درآمد سرانه موجب افزایش شادی می‌شود. ۲- نرخ بیکاری تاثیر کاهنده بر شادی دارد. ۳- تورم نیز شادی را کاهش می‌دهد. و در نهایت ۴- نابرابری توزیع درآمد همچنین تاثیر کاهنده بر شادی دارد. همچنین تحقیق مذکور در پنج بخش به ترتیب مقدمه، ادبیات نظری و پیشینه تحقیق، روش تحقیق و داده‌ها، برآورد مدل و تفسیر نتایج، و نتیجه‌گیری و پیشنهادات تنظیم شده است.

## ۲. ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

### ۲-۱. ادبیات نظری

#### تعریف شادی:

تقریباً در مورد "شادی" دو ادبیات فلسفی وجود دارد که هر یک از آن‌ها منطبق با اصطلاحی متفاوت است. در ادبیات اول از "شادی" به‌عنوان ارزش استفاده می‌شود و تقریباً مترادف با بهزیستی یا شکوفایی می‌باشد. در ادبیات دوم، این کلمه به‌عنوان روانشناختی، شبیه به "افسردگی" یا "آرامش" به‌کار می‌رود. احساس شادی در ادبیات معاصر، بهزیستی توجه قابل-ملاحظه‌ای را به خود جلب کرده است، که به‌دنبال تحولات اخیر در علم شادی، این مفهوم روانشناختی به‌عنوان کانون اصلی تحقیق فلسفی احیا می‌شود. روایت‌های اصلی شادی به این مفهوم، هدونیسیم<sup>۲</sup> (نظریه اخلاقی است که لذت، بالاترین هدف خوب و مناسب زندگی انسان

<sup>۱</sup>. Easterlin

<sup>۲</sup>. Hedonism

است)، نظریه رضایت از زندگی و لذت‌گرایی هستند. با کنار گذاشتن سوالات کلامی، متوجه می‌شویم که شادی به معنای روانشناختی همواره مورد توجه فلاسفه بوده است. با این حال، اهمیت شادی برای یک زندگی خوب در دهه‌های اخیر به شدت مورد اختلاف قرار گرفته است (دائرة المعارف فلسفه استنفورد<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰). برای شادی تعریف‌های بسیاری شده است. در اینجا به یکی از آن‌ها اشاره می‌شود که شادی یا رضایت از زندگی درجه‌ای است که فرد کیفیت زندگی خود را به‌طور کلی مثبت ارزیابی می‌کند. این مفهوم اکنون در شاخص اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد (وینهون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰).

### تعریف بازبودن تجاری و بازبودن اقتصادی:

شاخص بازبودن تجاری، معیاری از میزان مشارکت کشور در سیستم تجارت جهانی است.<sup>۳</sup> افزایش شاخص بازبودن تجاری در نتیجه جهانی‌شدن اقتصادی و آزادسازی تجارت می‌باشد،<sup>۴</sup> و به صورت نسبت ارزش تجارت (صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود. باز بودن اقتصادی، در اقتصاد سیاسی، میزانی است که با آن، مبادلات غیرداخلی (واردات و صادرات) صورت می‌گیرد و بر اندازه و رشد یک اقتصاد ملی تأثیر می‌گذارد. میزان بازبودن با اندازه واقعی واردات و صادرات ثبت شده در یک اقتصاد ملی، که به نرخ Impex شناخته شده است، اندازه‌گیری می‌شود. این معیار در حال حاضر توسط اکثر اقتصاددانان سیاسی در تحلیل تجربی تأثیر و پیامدهای تجارت بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی یک کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. منشأ استفاده از اصطلاح بازبودن اقتصادی نخستین بار در ادبیات اقتصاد مقایسه‌ای سیاسی در اوایل دهه ۱۹۸۰ می‌باشد. هرچند، به‌عنوان یک مفهوم، بازبودن اقتصادی به‌ویژه در زمینه اقتصاد بین‌المللی، از تاریخ بسیار طولانی‌تری برخوردار است. در واقع، تاریخ مطالعه علت و معلول اقتصاد آزاد به قرن ۱۸ میلادی باز می‌گردد و برجسته‌ترین کارهای اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت و دیوید ریکاردو را نشان می‌دهد. این اقتصاددانان کلاسیک نگران پیامدهای تجارت بین‌الملل بر اقتصاد داخلی و همچنین اثرات مثبت و منفی تجارت آزاد بودند. در ابتدا، تمرکز تجزیه و تحلیل بر مبادله کالا و نرخ ارز بود. در حال حاضر، تمرکز بیشتر روی افزایش بازبودن اقتصادی بر روی سیستم‌های اقتصاد داخلی است.<sup>۵</sup>

### ارتباط درآمد با بهزیستی ذهنی:

مطالعات با استفاده از داده‌های کشورهای مختلف به‌طور مداوم نشان می‌دهند که درآمد با بهزیستی ذهنی رابطه مثبت دارد. اگرچه استدلال شده است درآمد نسبی برای بهزیستی ذهنی

<sup>1</sup>. Stafdord Encyclopedia of philosophy, <https://plato.stanford.edu/entries/happiest/>

<sup>2</sup>. Veenhoven

<sup>3</sup>. <https://www.tutor2u.net/economics/topics/trade-opeess>

<sup>4</sup>. [https://www.economicsoliceuk/global\\_economics/trade\\_opeesshtml](https://www.economicsoliceuk/global_economics/trade_opeesshtml)

<sup>5</sup>. <https://www.britanicacom/topic/economic-opeess#ifo-article-history>

بیشتر مهم است، اما تحقیقات تأیید می‌کنند که درآمد مطلق نیز در بهزیستی نقش دارند (چن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). همچنین در مطالعه دیگر یکی از عوامل تأثیرگذار بر شادی را متوسط درآمد سرانه در نظر می‌گیرد (نایت<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). در مطالعه دیگر، استنکا تولید ناخالص داخلی سرانه را به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده شادی در نظر می‌گیرد (استنکا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). جعفری (۱۳۹۵) بیان می‌کند درآمد تأثیر مثبت بر شادی دارد و این ارتباط از نظر آماری معنادار و از نظر مقداری نسبتاً کوچک است. در این مورد می‌توان به مطالعات فری و اشتوتزر (۲۰۰۰)، ون پراگ، ون پراگ و فرر کربونل<sup>۴</sup> (۲۰۰۴) و ساکس<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۱۲) رجوع کرد، چون درآمد به سبب ایجاد فرصت به‌دست آوردن کالاهای مورد درخواست بشر و نیز به علت کسب شأن و جایگاه اجتماعی بالاتر، می‌تواند موجب افزایش رفاه و شادی شود. این درحالی است که نتایج تجربی تعداد اندکی از پژوهش‌ها، مانند پژوهش استرلین (۱۹۷۴) نشان‌دهنده عدم‌رابطه بین درآمد و سطح شادی می‌باشد یا این‌که نتایج مطالعه نابه و راتزل<sup>۶</sup> (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که اثر درآمد بر روی سطح شادی به شکل U معکوس است. به این شکل که با افزایش درآمد تا یک حد مشخص، شادی افزایش می‌یابد؛ اما پس از گذشتن از این حد، چون تقاضا برای درآمدهای بالاتر نیازمند کار و تلاش بیشتری است و کار بیشتر عاملی برای کاهش مطلوبیت است، سطح شادی کاهش می‌یابد.

#### ارتباط بازبودن تجاری با رفاه:

حساسیت یک کشور به رفاه به بازبودن تجاری به‌عنوان یکی از شاخص‌های اقتصادی وابسته است (استنکا، ۲۰۱۰). همچنین اهمیت هر عامل برای شادی مردم در جوامع مختلف بسته به شرایط خاص کشور می‌تواند از نظر میزان بازبودن اقتصادی، سطح توسعه، فرهنگ، مذهب، سیستم سیاسی و غیره متفاوت باشد (کیتیپراپاس<sup>۷</sup>، ۲۰۰۹). در مطالعه‌ای دیگر عنوان شده است رابطه بین بازبودن تجاری و بهزیستی ذهنی قطعاً مشخص نیست. بازبودن تجاری و جهانی‌شدن ممکن است با تخصیص کارآمدتر منابع، فرصت‌های شغلی بیشتر، بهره‌وری بالاتر قیمت، تنوع بیشتر کالاها و از جمله انتقال مکرر فن‌آوری همراه باشد (دیکسیت و استیگلیتز<sup>۸</sup>، ۱۹۷۷؛ لانکستر<sup>۹</sup>، ۱۹۸۰). هر یک از این موارد می‌تواند در بهبود استانداردهای زندگی محلی و رفاه

1. Chen

2. Knight

3. Stanca

4. Van Praag, Van Praag, & Ferrer-i-Carbonell

5. Sacks

6. Knabe & Rätzl

7. Kittiprapas

8. Dixit & Stiglitz

9. Lancaster

اقتصادی بالاتر منعکس شود. شواهدی از صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهایی که در دهه‌های اخیر افزایش قابل توجهی در سطح زندگی برای جمعیت خود را تحقق بخشیده‌اند، این کار را با ارتقای آزادسازی تجاری انجام داده‌اند. با این وجود، بسیاری از محققان رابطه مثبت بین درجه بازبودن تجاری و بهزیستی ذهنی را زیر سوال می‌برند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که دولت‌ها در اقتصادهای بازتر ممکن است با قاچاق، تقلب و مسائل امنیت ملی روبرو شوند. این احساس در حال ظهور است که بازاریابی و بازکردن درها به روی خارج، شمشیر دو لبه است که در آن هر دوی برنده‌ها و بازنده‌ها وجود دارند (میلانویک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). کارگران با عدم‌مزیت رقابتی ممکن است دستمزدهای کمتری را تجربه کنند و یا در نتیجه ادغام اقتصادی گسترده، شغل خود را از دست می‌دهند (دیکسیت و نورمن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰). علاوه بر این، باز بودن تجاری ممکن است عدم اطمینان را افزایش داده و تاثیر منفی بر وضعیت درآمد نسبی افراد داشته باشد و بهزیستی ذهنی را کاهش دهد (دریهر و گاستون<sup>۵</sup>، ۲۰۰۸). چین مورد جالبی برای مطالعه رابطه بین بازبودن تجاری و بهزیستی ذهنی است. چین در سه دهه از زمان اعمال اصلاحات بازار در سال ۱۹۷۸ تحولات گسترده اقتصادی را داشته است. تحول گسترده‌تر اقتصادی با آزادسازی تجاری و بازکردن اقتصاد به دنیای خارج همراه بوده است. در نتیجه میانگین نرخ رشد واقعی سالانه در تجارت چین بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۲۰۰۶ برابر با ۱۳/۷ درصد بوده است (بانک جهانی، ۲۰۰۹)<sup>۶</sup>، در کل، جهانی‌سازی و بازکردن اقتصاد در چین نمونه‌ای کلاسیک از آنچه پولانی<sup>۷</sup> (۱۹۴۴) به‌عنوان حرکت مضاعف اقتصادهای بازار توصیف نمود ایجاد کرده است. از یک سو، اصلاحات بازار چین و ادغام اقتصادی فرصت‌های شگرفی را برای مردم ایجاد کرده تا بتواند از نردبان اجتماعی بالا روند، خصوصا از طریق ایجاد ثروت سریع در بخش غیردولتی. از طرف دیگر، باز بودن تجاری و جهانی‌شدن و بازاریابی، نابرابری درآمدی فزاینده‌ای بین "داشتن" و "نداشتن" ایجاد کرده است. اقشاری از جمعیت شهری مانند کارگران وجود دارند که از بخش دولتی اخراج شده‌اند، که سابقا پست‌های ممتازی را در مائوئیز چین به‌عهده داشتند، اما اصلاحات آن‌ها را رها کرده است. همچنین عدم امنیت به شکل اخراج کارگران و بیکاری طولانی‌مدت بالقوه آن‌ها اضافه شده است. مطالعات حاکی از آن است که بار اخراج کارگران در

<sup>۱</sup> IMF (International Monetary Fund), 2001, Global Trade Liberalization and Developing Countries

<sup>۲</sup> Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

<sup>۳</sup> Milanovic

<sup>۴</sup> Dixit & Norman

<sup>۵</sup> Dreher & Gaston

<sup>۶</sup> World Bank, 2009, World Development Indicators, Washington DC.

<sup>۷</sup> Polanyi

چین به شدت بر محرومان افتاده است. به‌عنوان مثال، اپلتون<sup>۱</sup> و همکاران. (۲۰۰۲) مشخص کردند که خطر اخراج زنان، افراد با تحصیلات و مهارت کمتر و میان‌سال بیشتر است. این‌ها دقیقاً افرادی هستند که پیدا کردن اشتغال مجدد برای آن‌ها مشکل است (ایکسی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). در این تحقیق سعی بر این است تا تاثیر بازبودن تجاری بر شادی بررسی شود و آن در پنج بخش به ترتیب مقدمه، ادبیات نظری و پیشینه پژوهش، روش تحقیق و داده‌ها، برآورد مدل و تفسیر نتایج و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادات تنظیم شده است.

### ارتباط نرخ بیکاری و تورم با شادی:

اقتصاددانان در حوزه کلان و سیاست‌گذاران فرض می‌کنند بیکاری و تورم هر دو رفاه اجتماعی را کاهش می‌دهند. شواهد نشان می‌دهند که بیکاری باعث نارضایتی بیشتر از تورم می‌شود (روپرا و لیونگاس<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). بسیاری از مطالعات قبلی تأثیرات مخرب بیکاری در بهزیستی فردی، اعم از مادی و غیرمادی را تأیید کرده‌اند. در بررسی با استفاده از داده‌های پانل خانوار جامعه اروپا، عوامل مؤثر بر بهزیستی کارگران بیکار با توجه به موقعیت‌های آنها در فعالیت اصلی حرفه‌ای، درآمد، مسکن، اوقات فراغت و سلامتی در اروپا انجام گرفت. نشان می‌دهد بیکاری میزان رضایت فرد را از فعالیت اصلی حرفه‌ای و مالی خود کاهش می‌دهد، در حالی که این میزان رضایت وی را در اوقات فراغت بسیار افزایش می‌دهد. با توجه به سلامتی، اثر منفی کمی دارد. مدت بیکاری نیز تأثیر منفی و کمی بر روی بهزیستی فرد دارد و نشان می‌دهد که بیکاری تأثیر ماندگار و تشدیدکننده‌ای در کل طلسم بیکاری دارد (آن<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). همچنین مطالعات متعددی در مورد ارتباط بین بیکاری و سلامت وجود دارد که بهزیستی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از جمله می‌توان به مطالعه (هیسوالز<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) اشاره کرد. این مطالعه با هدف ارائه درک درستی از تجربیات بیکاری و ادراک از بهزیستی در بین افرادی که به‌طور غیرارادی کار خود را طی رکود اقتصادی در شهرداری گاول (Gavel) از دست داده‌اند انجام شد. روش کار در این مطالعه به این صورت بود که شانزده زن و مرد بیکار در سن ۲۸-۶۲ سال مورد مصاحبه حضوری قرار گرفتند. از یک استراتژی نمونه‌گیری هدفمند به منظور تطابق سؤال پژوهش و افزایش تنوع در بین آگاهان استفاده شد. متون مصاحبه با استفاده از تحلیل موضوعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پاسخ دهندگان، کار را به‌عنوان مبنای مالی و از دست دادن کار به دلیل تغییر در وضعیت مالی خود بر زندگی و میزان مصرف اجتماعی آن‌ها تأثیر می‌گذارد را درک می‌کردند. آن‌ها همچنین احساس انزوا، از دست دادن عزت نفس و

1. Appleton

2. Xi

3. Ruprah & Luengas

4. Ahn

5. Hiswals

احساس ناامیدی را ابراز داشتند که این امر بر بهزیستی جسمی آنها تأثیر گذاشته است. مدت طولانی‌تر بیکاری باعث افزایش احساسات منفی پاسخ‌دهندگان شد.

در ارتباط با تورم بیان می‌شود تورم باعث افزایش نگرانی‌ها هم در بین گروه‌های کم درآمد و پردرآمد می‌شود. نگرانی گروه‌های درآمدی پایین، به علت کاهش قدرت خرید و نگرانی گروه‌های درآمدی بالا ناشی از تلاش برای تشکیل سبدهای دارایی کم ریسک است (جعفری، ۱۳۹۵).

#### ارتباط ضریب جینی با شادی:

مطالعات بی‌شماری در توافق بر این که نابرابری درآمد، پیش‌بینی‌کننده مهم شادی می‌باشد، وجود دارد. با این حال، نقش خاص آن بحث برانگیز بوده است. استدلال می‌شود که نابرابری درآمد و شادی به دلیل داشتن روند پویای رقابت بین دو تأثیر، باید یک رابطه معکوس U شکل داشته باشند: وقتی نابرابری درآمد نسبتاً کم باشد، اثر سیگنال عامل غالب خواهد بود که در آن افراد احساس خوشبختی می‌کنند زیرا درآمد را در نظر می‌گیرند. نابرابری به‌عنوان یک سیگنال تحرک اجتماعی و انتظار تحرک رو به رشد دارد. اما اگر سطح نابرابری درآمد بیش از یک نقطه بحرانی افزایش یابد، اثر حسادت به یک عامل مسلط تبدیل می‌شود، که در آن افراد تمایل به ناراضی بودن دارند زیرا از چشم‌انداز تحرک رو به بالا سرخورده و حسادت نسبت به همسالان ثروتمند خود را دارند. این فرضیه در یک مجموعه داده طولی در ایالات متحده و یک مجموعه داده مقطعی در چندین کشور اروپایی مورد آزمایش قرار گرفته است. در هر دو مجموعه داده، ضریب جینی (شاخص معمولی نابرابری درآمدی یک جامعه) و عبارت درجه دوم آن پیش‌بینی‌کننده‌های مهم شادی شخصی بودند. بررسی‌های بیشتر از روابط درجه دوم نشان داد که اثر سیگنال فقط در داده‌های اروپا ارائه شده است، در حالی که اثر حسادت در هر دو مجموعه داده نشان داده شده است. این یافته‌ها درک جدیدی از رابطه بین نابرابری درآمد و شادی شخصی را روشن می‌کنند (یو و وانگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). در مطالعه‌ای که در چین با استفاده از داده‌های نظرسنجی در مورد ارتباط نابرابری درآمد با شادی انجام شده است بیان می‌کند ارتباط بین نابرابری درآمد و شادی فردی رابطه‌ای به شکل U معکوس می‌باشد که براساس نظریه اثر تونل که توسط هیرشمن و روچیلد<sup>۲</sup>، (۱۹۷۳) مطرح شده است. بر اساس این رابطه، ابتدا با افزایش نابرابری درآمد، شادی فردی افزایش می‌یابد و وقتی که نابرابری از یک حدی بیشتر شد، شادی کاهش می‌یابد (وانگ<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). در مطالعه دیگری که در آمریکا طی سال‌های ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸ انجام گرفت نشان می‌دهد که بین نابرابری درآمد و شادی رابطه معکوس و منفی وجود

1. Yu & Wang

2. Hirschman & Rothschild

3. Wang



دارد، به طوری که آمریکایی‌ها به طور متوسط در سال‌هایی که نابرابری درآمد کمتر بوده است شادتر شده‌اند (آی‌شی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱).

## ۲-۲. پیشینه پژوهش

تسای<sup>۲</sup> (۲۰۰۷)، با استفاده از داده‌های کشورهای مناطق آفریقا، آمریکای لاتین و جنوب آسیا طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰، و مدل اثر تصادفی حداقل مربعات تعمیم‌یافته به بررسی تأثیر جهانی‌سازی در پیشرفت بهزیستی انسان می‌پردازد، دوره‌ای که روند بسیار بالایی در عبور و مرور جهانی مشاهده می‌شود. در این بررسی، تأثیر جهانی‌سازی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر بهزیستی انسان برآورد شده است. در این بررسی، درآمد ناخالص ملی سرانه، رشد جمعیت و متغیرهای مجازی برای مناطق آفریقا، آمریکای لاتین، جنوب آسیا به منظور ارزیابی تفاوت مناطق در بهزیستی انسانی از میانگین نمونه مطالعه در چهار مدل یعنی در مدل اول فقط جهانی‌سازی اقتصادی، در مدل دوم فقط جهانی‌سازی سیاسی، در مدل سوم فقط جهانی‌سازی اجتماعی و در مدل چهارم، جهانی‌سازی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به صورت کل برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهند در هر چهار مدل، لگاریتم درآمد ملی سرانه بر بهزیستی تأثیر مثبت داشته و بامعنا است. رشد جمعیت در هر چهار مدل تأثیر منفی بر بهزیستی داشته و همگی بامعنا هستند. جهانی‌سازی اقتصادی در مدل اول اگرچه دارای علامت مثبت است ولی معنادار نیست. جهانی‌سازی سیاسی در مدل دوم بر بهزیستی سیاسی تأثیر مثبت بر بهزیستی داشته و بامعنا است. جهانی‌سازی اجتماعی در مدل سوم تأثیر منفی بر بهزیستی داشته و بامعنا است. در مدل چهارم هر سه جهان‌بینی بر بهزیستی تأثیر مثبت داشته و بامعنا هستند

دی و مک کالوچ<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، رابطه بین بازبودن اقتصادی و بهزیستی ذهنی را بر اساس نظرسنجی از ۳۵ هزار نفر که در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه زندگی می‌کنند بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۷ بررسی کردند. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که بین بازبودن اقتصادی و سلامت ذهنی رابطه منفی وجود دارد.

بجورنسکوو<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۸)، رابطه بین بازبودن اقتصادی و بهزیستی ذهنی را بر اساس یک بانک اطلاعاتی با ۹۰ هزار مشاهده در ۷۰ کشور بررسی کردند. بر خلاف بررسی دی و مک کالوچ<sup>۵</sup> (۲۰۰۸)، یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که بین بازبودن اقتصادی و بهزیستی ذهنی رابطه مثبت وجود دارد.

1. Oishi

2. Tsai

3. Di & MacCulloch

4. Bjornskov

5. Di & MacCulloch

استانکا<sup>۱</sup> (۲۰۱۰)، به بررسی رابطه شرایط اقتصادی و بهزیستی ذهنی به صورت مقطعی برای ۹۴ کشور در سطح خرد و کلان می‌پردازد. او در مطالعه خود در سطح کلان، شرایط اقتصاد کلان و شرایط اجتماعی و موقعیت جغرافیایی را به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده بهزیستی ذهنی در نظر می‌گیرد. شرایط اقتصاد کلان را با مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصاد کلان شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ بیکاری، تورم، بازبودن تجاری و اندازه دولت در نظر می‌گیرد. یافته‌ها با توجه به روش حداقل مربعات معمولی نشان می‌دهند علیرغم اینکه ارتباط درجه بازبودن با رضایت از زندگی مثبت و تورم منفی و نرخ بیکاری مثبت ولی هیچکدام معنادار نیستند و تولید ناخالص داخلی هم با رضایت خاطر از زندگی رابطه منفی در سطح ۱٪ معنادار است.

اکسین و اسمیت<sup>۲</sup> (۲۰۱۰)، به بررسی ارتباط بین بازبودن اقتصاد و بهزیستس ذهنی با نظرسنجی از خانوارها در ۳۰ شهر اصلی چین پرداختند. یافته اصلی بررسی آن‌ها حاکی از این است که با ثابت بودن شرایط، ساکنان شهرهایی که بازبودن اقتصادی در آن‌ها بالاتر بود، از سطوح کمتر بهزیستی ذهنی برخوردار بودند. برای این نتیجه چهار تفسیر شامل حمایت ناکافی اجتماعی در مواجهه با جهانی‌شدن، انتظارات برآورده نشده، نارضایتی سیاسی و ناهنجاری ارائه می‌شود.

تسای<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۲)، به ارزیابی تاثیر جهانی‌شدن و ادغام عمیق آسیا در جامعه جهانی بر بهزیستی ذهنی پرداختند. در مطالعه خود از نظریه آمارتیا سن مبنی بر ظرفیت‌های انسانی استفاده کردند این مطالعه مفهومی از گسترش ظرفیت‌ها برای تبیین روابط جهانی‌سازی فردی و بهزیستی ذهنی در بین جمعیت‌های آسیایی در زمینه افزایش ادغام جهانی ارائه می‌دهد. یافته‌های تجربی تجزیه و تحلیل چندسطحی از یک نمونه متشکل از ۱۴ کشور آسیایی نشان می‌دهد که تسلط بر یک زبان جهانی بر رضایت شغلی، پیشرفت زندگی و شادی تاثیر مداوم دارد. به بیان ساده‌تر، افرادی که جهانی‌تر شده‌اند، از شغل و زندگی خود راضی‌تر هستند.

لین<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر جهانی‌شدن بر سطح شادی در ۱۴۵ کشور با استفاده از داده‌های نظرسنجی گالوپ<sup>۵</sup> و مدل فضایی حداقل مربعات دو مرحله‌ای پرداختند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند سطح شادی یک کشور با سطح شادی همسایه در ارتباط است، در مورد توزیع شادی چیز مهمی به ما می‌گوید و فرصتی را برای یادگیری چیزی درباره تأثیرات احتمالی ناشی از وابستگی مکانی به چشم‌اندازها و محدودیت‌ها در سطح شادی را فراهم می‌کند. از این رو چنین رویکردی موجه‌تر و جالب‌تر است، زیرا ارتباط مکانی را به‌عنوان ویژگی اساسی شادی در نظر می‌گیرد. یک یافته مهم این بررسی عبارت است از این‌که افزایش سطح شادی یک کشور، فشارهای

1. Stanca

2. Xin & Smyth

3. Tsai

4. Lin

5. Gallup World Poll Survey (GWP)

بسیار به سطح شادی در کشورهای همسایه وارد می‌کند. این اثر سرریز نشان می‌دهد که جوامع همسایه علاقه مشترکی در بالا بردن سطح شادی یکدیگر دارند. از این رو، سیاست‌گذاران باید بطور فزاینده توجه خود را به ادبیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در رابطه با جهانی‌سازی و تأثیر آن در بهزیستی با توجه ویژه به روند مکانی برای حوزه‌های مختلف سیاست معطوف کنند. ما و چن<sup>۱</sup>، (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر باز بودن تجاری و نابرابری درآمد بر رفاه ذهنی یا شادی در مناطق روستایی- شهری ۳۱ استان چین با استفاده از داده‌های نظرسنجی عمومی چین<sup>۲</sup> و مدل پایه و با متغیرهای کنترل از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰ از مدل پروبیت و لاجیت رتبه‌ای و حداقل مربعات برآورد شد. جهت اندازه‌گیری شادی به عنوان متغیر رتبه‌ای از نمونه‌ای بالغ بر ۴۴۷۳۱ پاسخگو که سن آن‌ها بیشتر از ۱۷ سال بود استفاده کردند. سوالاتی که پرسیده شد عبارت بودند از خیلی غیرشاد، نسبتاً غیرشاد، نه غیرشاد و نه شاد؛ نسبتاً شاد و خیلی شاد. یافته‌های تحقیق آن‌ها حاکی از این است که بازبودن تجاری بر شادی تأثیر شکل U معکوس دارد. در حالی که بازبودن مالی شکل U دارد. همچنین نابرابری روستایی- شهری اثر کاهنده بر روی شادی دارد و این اثر با بازبودن تجاری تقویت و با بازبودن مالی تضعیف می‌شود.

### ۳- روش تحقیق و داده‌ها

به منظور بررسی نحوه اثرگذاری درجه بازبودن تجاری بر شادی در کشورهای منتخب در حال توسعه با استفاده از ادبیات نظری و بررسی متغیرهای مؤثر بر شادی در مطالعات پیشین که در بخش ادبیات نظری به آن‌ها اشاره شد، مدل زیر تصریح شده است:

$$\text{Hap}_{it} = f(\text{Hap}_{it-1}, \text{Open}_{it}, \text{Open}_{it}^2, \text{Income}_{it}, \text{Inf}_{it}, \text{Un}_{it}, \text{Gini}_{it}) + e_{it} \quad (1)$$

در الگوی فوق،  $\text{Hap}_{it}$  معرف شاخص شادی و  $\text{Hap}_{it-1}$  وقفه مرتبه اول شادی است که به منظور پویا نمودن مدل وارد معادله (۱) شده است. به عبارت دیگر از آنجایی که شادی امروز به شادی گذشته نیز مربوط است و تداعی شادی‌ها و غم‌های گذشته ممکن است در وضعیت فعلی شادی و غم فرد اثرگذار باشد لذا به نظر می‌رسد یک مدل پویای شادی نسبت به مدل ایستا به دنیای واقعی نزدیکتر باشد. از طرف دیگر چون بازه زمانی و مکانی پژوهش شامل ۸۹ کشور در حال توسعه<sup>۳</sup> در بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۲۰ است و تعداد مقاطع بیشتر از تعداد زمان‌های مورد

<sup>۱</sup>. Ma & Chen

<sup>۲</sup>. Chia Geeral Social Survey (CGSS)

<sup>۳</sup>. کشورهای در حال توسعه مورد بررسی عبارت‌اند از: افغانستان، آلبانی، الجزایر، انگولا، آرژانتین، ارمنستان، آذربایجان، بحرین، بنگلادش، بنین، بولیوی، بوسنی و هرزگوین، بوتسوانا، برزیل، بلغارستان، بورکینافاسو، کامبوج، کامرون، چاد، شیلی، چین، کلمبیا، کاستاریکا، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، جمهوری دومینیکن، اکوادور، مصر، السالوادور،

بررسی است، لذا در چنین شرایطی مدل‌های پویا نسبت به مدل‌های ایستا ارجحیت دارند (آرلانو و باند،<sup>۱</sup> ۱۹۹۱).

همچنین سایر متغیرهای مدل عبارتند از  $Open_{it}$  یا درجه بازبودن تجاری است که از مجموع ارزش‌های صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید، همچنین  $Open_{it}^2$  توان دوم متغیر درجه بازبودن به پیروی از مطالعه ما و چن (۲۰۲۰) نیز به منظور بررسی اثرات غیرخطی درجه بازبودن بر شادی وارد معادله شده است.  $Income_{it}$  درآمد سرانه واقعی است،  $Inf_{it}$  نرخ تورم است که بر اساس رشد شاخص قیمت مصرف کننده محاسبه شده است،  $Un_{it}$  نرخ بیکاری است که از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال بدست آمده است،  $Gini_{it}$  شاخص نابرابری توزیع درآمد است که برای آن از ضریب جینی استفاده شده است و  $e_{it}$  جزء خطای مدل است. در مورد نحوه محاسبه متغیرها و شیوه گردآوری داده‌ها، شاخص شادی بر اساس پرسش‌نامه‌های داده‌های جهانی شادمانی مبتنی بر مقالات وینهون<sup>۲</sup> (۱۹۹۰، ۲۰۰۰، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۴) بدست آمده است که این داده‌ها در وبسایت گزارش جهانی شادمانی<sup>۳</sup> موجود است. این داده‌ها نتیجه پرسشنامه‌های گسترده‌ای است که پژوهشکده‌ی دانشگاه آراسموس در هلند از کشورهای جهان در طول چند دهه گذشته تکمیل نموده است. در ادامه اطلاعات بیشتری از شاخص شادی و چگونگی اندازه‌گیری آن ارائه شده است:

شاخص‌های شادی:

وینهون<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) جامعه‌شناس هلندی در زمینه مطالعه علمی شادی پیشگام و مرجع جهانی است. وی شاخص‌های مختلف شادی را بر اساس نظریات مرتبط با موضوع از جمله بنتام<sup>۵</sup> (۱۷۸۹) بیان می‌کند. او در اولین مرحله، شادی را از سایر خصوصیات زندگی متمایز می‌کند و مفهوم شادی را تعریف می‌کند. در مرحله دوم، چگونگی اندازه‌گیری شادی را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که این کار را می‌توان با استفاده از سوالات مستقیم در نظرسنجی انجام داد. سپس چهار کاربرد داده‌های نظرسنجی در باره شادی در کشورها ارائه می‌دهد. در مرحله سوم، یافته‌های به دست آمده از این معیارها را بررسی می‌کند. یافته‌های اول در ارتباط با میزان شادی

---

استونی، گرجستان، غنا، یونان، گواتمالا، هندوراس، مجارستان، هند، اندونزی، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کنیا، کویت، قرقیزستان، لاتویا، لبنان، لیبیا، لیتوانی، مقدونیه، ماداگاسکار، مالزی، مالی، مالت، موریتانی، مکزیک، مغولستان، مونتنگرو، مراکش، نپال، نیکاراگوئه، نیجر، نیجریه، پاکستان، پاناما، پاراگوئه، پرو، لهستان، پرتغال، رومانی، عربستان سعودی، سنگال، سیرالئون، اسلواکی، اسلوانی، سریلانکا، تاجیکستان، تانزانیا، تایلند، تونس، ترکیه، اوگاندا، اروگوئه، ازبکستان، ونزوئلا، ویتنام، زامبیا، زیمبابوه

1. Arellano & Bond

2. Veenhoven

3. <https://worlddatabaseofhappiessur/>

4. Veenhoven

5. Bentham

در کشورها است. یافته‌های دوم در مورد روند شادی در طی زمان است و بالاخره یافته‌های سوم در مورد ارتباط با ویژگی‌های اجتماعی است. وینهون شاخص‌های زیر را برای اندازه‌گیری شادی عنوان کرده است:

۱- شادی متوسط<sup>۱</sup>: متداول‌ترین آماری که برای شادی استفاده می‌شود، شاخص متوسط یا میانگین شادی است و اغلب در دامنه بین ۰ تا ۱۰ بیان می‌شود. در تحقیق حاضر از این شاخص استفاده شده است.

۲- سال‌های زندگی شاد<sup>۲</sup>: هدف سیاست‌گذاران به طور معمول ادامه و دوام شادی است که این با نظریه بن‌تھام که شادی را نه تنها به لحاظ شدت، بلکه از نظر مدت زمان نیز محاسبه می‌کند سازگار است. یکی از روش‌ها برای محاسبه برای این شاخص، ترکیب اطلاعات مربوط به طول عمر است که از ثبت تولد و مرگ حاصل می‌شود و با فرمول ساده زیر محاسبه می‌شود.

سال‌های زندگی شاد = امید به زندگی در بدو تولد × متوسط شادی در مقیاس ۰-۱

۳- نابرابری شادی<sup>۳</sup>: متوسط شادی بالا می‌تواند با نابرابری قابل توجهی در شادی همراه باشد و اکثریتی به قیمت اقلیت غیرشاد بسیار شاد باشند. سیاست‌گذاران این امر را نامطلوب می‌دانند. در این روش، از شاخص‌های انحراف معیار و ضریب جینی استفاده می‌شود (کالمیجن و وینهون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵).

۴- نابرابری شادی تعدیل‌شده<sup>۵</sup>: سیاست‌گذاران به‌طور معمول سطح بالای شادی و سطح پایین نابرابری شادی را هدف قرار می‌دهند. به همین دلیل آن‌ها به شاخصی نیاز دارند که هر دو را در برگیرد. یکی از این شاخص‌ها، «شاخص متناسب با نابرابری» است که به هر دو هدف وزن یکسانی می‌دهد (کالمیجن و وینهون، ۲۰۰۵). شاخص‌های فوق در پایگاه داده‌های جهانی شادی همراه با دامنه تغییرات آن در زیر برای سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ نشان داده شده است.

<sup>1</sup>. Average Happiness

<sup>2</sup>. Happy Life Years

<sup>3</sup>. Inequality of Happiness

<sup>4</sup>. Kalmijn & Veenhoven

<sup>5</sup>. Inequality Adjusted Happiness

## World Database of Happiness , collection Happiness in Nations

## Happiness in Iran (IR)

Current happiness: place on rank lists of Happiness in nations 2010-2018

Happiness	Average Happiness	Happy Life Years	Inequality of Happiness	Inequality Adjusted Happiness
Possible ranges	0 - 10	0 - 100	0 - 3.5	0 - 100
Highest score	8.3 Mexico	66.8 Switzerland	1.41 Netherlands	73 Denmark
Iran	5.1	40.4	2.48	39
Lowest score	3.4 Central African Republic	18.8 Central African Republic	3.16 Egypt	26 Egypt

All above happiness variants are based on responses to a survey question like: "Taking all together, how satisfied or dissatisfied are you with your life-as-a-whole these days?". Combined question types 10-step numeral life satisfaction and 11-step numeral life satisfaction.

Cite as: R. Veenhoven, Happiness in Iran (IR), World Database of Happiness, Erasmus University Rotterdam, The Netherlands. Viewed on 2021-07-15 at worlddatabaseofhappiness.eur.nl.

بر اساس پایگاه داده جهانی شادی فوق، بیشترین مقدار شاخص متوسط شادی (۸/۳) مربوط به مکزیک و کمترین مقدار آن (۳/۴) مربوط به جمهوری آفریقای جنوبی است. این شاخص برای کشورمان ۵/۱ می‌باشد که تقریباً در وسط دامنه (۱۰-۰) قرار دارد. همچنین بیشترین مقدار شاخص سال‌های زندگی شاد (۶۶/۸) مربوط به سوئیس و کمترین مقدار شاخص (۱۸/۸) مربوط به جمهوری آفریقای مرکزی است. این شاخص در مورد کشورمان ۴۰/۴ می‌باشد که در نیمه پایینی دامنه شاخص مذکور (۱۰۰-۰) قرار دارد. بیشترین مقدار شاخص نابرابری شادی (۱/۴۱) مربوط به هلند و کمترین مقدار آن (۳/۱۶) مربوط به مصر است. این شاخص برای کشورمان ۲/۴۸ می‌باشد که در نیمه بالای دامنه شاخص (۳-۰/۵) قرار دارد. بالاخره بیشترین مقدار شاخص نابرابری شادی (۷۳) مربوط به دانمارک و کمترین مقدار شاخص (۲۶) مربوط به مصر است. این شاخص برای کشورمان ۳۹ می‌باشد که در نیمه پایین دامنه شاخص (۱۰۰-۰) قرار دارد.

ضمناً بر اساس پایگاه مذکور شاخص متوسط شادی برای ایران برای برخی از سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸ در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول (۱): شاخص متوسط شادی ایران برای برخی از سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۸

سال	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
شاخص	۵/۳	۵/۳	۵/۳	۵/۱	۴/۸	۴/۶	۵/۱	۴/۷	۴/۷	۴/۷	۴/۳

منبع: [https://worlddatabaseofhappiness-](https://worlddatabaseofhappiness-archive.eur.nl/hap_nat/nat_fp.php?cntry=147&mode=3&subjects=51&publics=8)

[archive.eur.nl/hap\\_nat/nat\\_fp.php?cntry=147&mode=3&subjects=51&publics=8](https://worlddatabaseofhappiness-archive.eur.nl/hap_nat/nat_fp.php?cntry=147&mode=3&subjects=51&publics=8)

همچنین سایر داده‌های معادله (۱) از مجموعه داده‌های شاخص توسعه جهانی (WDI) بانک جهانی استخراج شده‌اند.

با توجه به ساختار داده‌ها که ترکیبی از داده‌های سری زمانی و مقطعی است و پویایی مدل یعنی وجود وقفه متغیر وابسته در مدل، روش برآوردی روش پانل گشتاورهای تعمیم یافته یا Panel GMM است. در صورتی که الگوی رگرسیون مورد تحلیل در برگیرنده‌ی یک یا چند عنصر با وقفه از متغیر وابسته به عنوان متغیر توضیحی باشد، در آن صورت آن را، الگوی خود رگرسیونی یا الگوی پویا می‌گویند. این الگوها در واقع بیانگر رگرسیون متغیر وابسته بر حسب خودش با وقفه زمانی معین می‌باشد. در الگوی داده‌های تابلویی پویا، به علت امکان وجود همبستگی وقفه‌ی متغیر وابسته در سمت راست با جزء خطا (همبستگی سریالی اجزاء اخلاص) و وجود متغیر توضیحی تصادفی، برآوردگر حداقل مربعات معمولی تورش دار و ناسازگار می‌شود. یکی از راه حل‌های معمول برای حل این مشکل استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته است. برای برآورد مدل به وسیله‌ی این روش، لازم است از متغیرهای ابزاری استفاده کنیم که با جزء اخلاص همبسته نباشد. برای تخمین مدل پانل پویا از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) که توسط آرانو و باند (۱۹۹۱) گسترش یافته است، استفاده می‌شود. از آن جایی که در الگوهای تابلویی پویا، وقفه متغیر وابسته با جمله اخلاص همبستگی دارد، آن‌ها از وقفه دوم متغیر وابسته و وقفه‌های سایر متغیرها (در قالب یک فرم بازگشتی) به عنوان ابزار برای وقفه متغیر وابسته مبتنی بر روش تابلویی پویا استفاده کردند (آرانو و باند، ۱۹۹۱). در نهایت به منظور اطمینان از اعتبار متغیرهای ابزاری از آزمون‌های سارگان و آرانو باند استفاده می‌شود.

#### ۴. برآورد مدل و تفسیر نتایج

قبل از برآورد مدل لازم است که مانایی متغیرهای مدل بررسی شود. بدین منظور از آزمون ریشه واحد لوین، لی و چو<sup>۱</sup> استفاده شده است. نتایج این آزمون به شرح جدول ۲ ارائه شده است.

<sup>۱</sup>. Levin, Li & Chu

جدول (۲): آزمون ریشه واحد لوین، لی و چو

متغیر	آماره آزمون	نوع آزمون	P-Value	نتیجه آزمون
شادی	-۱۳/۱۵	با عرض از مبدا	۰/۰۰	پایا
وقفه اول شادی	-۱۳/۶۲	با عرض از مبدا	۰/۰۰	پایا
درجه بازبودن	-۳/۷۱	با عرض از مبدا	۰/۰۰	پایا
توان دوم درجه باز بودن	-۴/۱۶	با عرض از مبدا	۰/۰۰	پایا
درآمد سرانه	-۳/۳۹	با عرض از مبدا و روند	۰/۰۰	پایا
تورم	-۱۶/۶۹	با عرض از مبدا	۰/۰۰	پایا
بیکاری	-۴/۵۹	با عرض از مبدا	۰/۰۰	پایا
ضریب جینی	-۵۰/۵۷	با عرض از مبدا	۰/۰۰	پایا

منبع: محاسبات پژوهش

همان‌طور که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد کلیه متغیرها در سطح معنای ۵٪ درصد مانا هستند بنابراین می‌توان برآورد مدل پژوهش را بدون مشکل مربوط به رگرسیون جعلی برآورد نمود. بنابراین در ادامه به برآورد مدل پرداخته می‌شود. جدول ۳ نتایج برآورد حاصل از مدل را در کشورهای منتخب در حال توسعه نشان می‌دهد.

جدول (۳): نتایج برآورد مدل با روش GMM (رویکرد تفاضلی)

متغیر	ضریب	آماره t	P-Value
وقفه اول شادی	۰/۱۲۸	۹/۰۳	۰/۰۰
درجه باز بودن تجاری	۰/۰۱۴	۱۲/۶۷	۰/۰۰
توان دوم درجه باز بودن	-۰/۰۰۰۰۵۶۹	-۱۵/۳۴	۰/۰۰
درآمد سرانه	۰/۰۰۰۱	۲۰/۷۵	۰/۰۰
بیکاری	-۰/۰۰۱۴	-۴/۱۱	۰/۰۰
تورم	-۰/۰۰۲۶	-۳/۲۶	۰/۰۰
ضریب جینی	-۰/۰۳۳۹	-۲۰/۳۲	۰/۰۰
آماره سارگان	۴۰/۸۹		۰/۳۸
آماره AR(1) آزمون آرانو-باند	-۲/۳۲		۰/۰۲
آماره AR(2) آزمون آرانو-باند	-۱/۱۲		۰/۲۶

منبع: محاسبات پژوهش

نتایج برآورد مدل را می‌توان به صورت خلاصه به شرح زیر تفسیر نمود:



وقفه اول شادی تاثیر مثبت و معنی‌داری بر شادی داشته است. به عبارت دیگر شادی گذشته شادی امروز را تحت تاثیر قرار داده است. این نتیجه نشان می‌دهد شادی پدیده‌ای پویا است و اثرات شادی یا غم گذشته در حال و آینده افراد و جامعه تاثیر گذار است.

درجه بازبودن تجاری تاثیری غیرخطی و آستانه‌ای بر شادی داشته است. به عبارت دیگر قبل از آستانه ۱۲۳ واحد<sup>۱</sup> از درجه باز بودن، افزایش درجه بازبودن موجب افزایش سطح شادی در جامعه شده است اما با عبور از این آستانه، تاثیر درجه بازبودن بر شادی منفی شده است. به عبارت دیگر درجه بازبودن اقتصاد در مراحل اولیه باعث افزایش تنوع خرید مردم می‌شود و مطلوبیت و شادی آن‌ها را افزایش می‌دهد، در مرحله دوم به دلیل آن‌که درآمد آن‌ها تحت تاثیر قرار می‌گیرد، سبب کاهش شادی می‌شود. از طرف دیگر این نتیجه نشان می‌دهد گسترش فضای باز تجاری فراتر از سطح آستانه‌ای، به دلایلی چون افزایش نابرابری توزیع درآمد، تفاوت شادی انتظاری و شادی تحقق یافته پس از گسترش جهانی شدن، نارضایتی‌های سیاسی و اثرات جهانی شدن بر نهادهای غیررسمی باشد. به عبارت دیگر جهانی شدن اقتصاد و گسترش تجارت خارجی برای اقتصاد داخلی هر کشور دو دسته برنده و بازنده ایجاد کرده است به طوری که برخی مشاغل که توان رقابت با تولیدکنندگان خارجی را نداشته‌اند کسب و کار خود را از دست داده‌اند و در مقابل برخی مشاغل دیگر که توانسته‌اند از مزیت‌های رقابتی در بازارهای جهانی برای معرفی محصولات و گسترش بازار کالاهای خود استفاده نمایند توانسته‌اند درآمد خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهند. در نتیجه جهانی شدن در صورتی که بیشتر محصولات یک کشور از توان رقابتی ضعیفی در رقابت با محصولات مشابه خارجی برخوردار باشند می‌تواند به تشدید نابرابری توزیع درآمد منجر شود که در نتیجه گسترش نابرابری توزیع درآمد، سطح شادی جامعه کاهش یافته است. عامل دیگر که بر سطح شادی جامعه تاثیر منفی گذاشته است احتمالاً گسترش شکاف بین شادی انتظاری و تحقق یافته بوده است. به عبارت دیگر مردم قبل از گسترش جهانی شدن انتظار داشته‌اند که با جهانی شدن سطح شادی بالاتری را تجربه کنند، اما در عمل پس از گسترش جهانی شدن، آن شادی انتظاری موردنظرشان رخ نداده است و در نتیجه این موضوع موجب کاهش سطح شادی شده است. نهایتاً این‌که جهانی شدن اقتصاد می‌تواند بر نهادهای غیررسمی جامعه اثرگذار باشد. به عنوان مثال جهانی شدن با خود می‌تواند فرهنگ کشورهای توسعه‌یافته را وارد کشورهای در حال توسعه نماید و در نتیجه بر روی آداب و رسوم سنتی و هنرهای کشورهای کشور تاثیرگذار باشد. مثلاً ورود تلفن همراه هوشمند به کشورهای در حال توسعه می‌تواند موجب کمرنگ‌تر شدن روابط خانوادگی در کشورهای در حال توسعه شود و در نتیجه اثراتی منفی بر شادی این جوامع برجای گذارد. بنابراین فرضیه اول مبنی بر غیرخطی

<sup>۱</sup> این حد آستانه از مساوی صفر قراردادن مشتق شاخص شادی نسبت به درجه باز بودن به دست می‌آید.

بودن تاثیر بازبودن تجاری بر شادی، به طوری که توان اول آن تاثیر مثبت و توان دوم آن تاثیر منفی بر شادی دارد، پذیرفته می شود.

افزایش درآمد سرانه موجب افزایش شادی در کشورهای در حال توسعه شده است. به عبارت دیگر هرچه درآمد سرانه افزایش یابد، قدرت خرید جامعه برای تامین نیازهای خود افزایش می یابد و تعداد افراد بیشتری می توانند از پس حداقل معاش خود برآیند و سپس به سایر نیازهای خود در راستای گسترش شادی توجه نمایند. به عنوان مثال با افزایش درآمد سرانه تعداد افراد بیشتری می توانند هزینه هایی چون مسافرت، تحصیلات عالی، شرکت در مسابقات ورزشی و استفاده از خدمات تفریحی و سرگرمی را بردارند و در نتیجه سطح شادی جامعه افزایش می یابد. بنابراین فرضیه دوم مبنی بر این که درآمد سرانه موجب افزایش شادی می شود نیز پذیرفته می شود.

نرخ بیکاری و نرخ تورم هر دو تأثیری منفی و معنی دار بر شادی داشته اند که امری روشن به نظر می رسد. افزایش نرخ بیکاری نیز از طریق افزایش بار تکفل، گسترش بزهکاری ها و جرائم موجب کاهش شادی می شود. همچنین تورم از طریق کاهش قدرت خرید مردم موجب کاهش سطح رفاه و شادی مردم می شود و نکته جالب توجه آن است که تاثیر منفی تورم بر شادی بیشتر از تاثیر منفی بیکاری بر شادی است که نشان می دهد تورم نسبت به بیکاری تاثیر منفی بیشتری بر شادی در کشورهای در حال توسعه داشته است که لازم است سیاست گذاران در اهداف سیاست گذاری خود به این موضوع توجه نمایند و کنترل تورم را در اولویت قرار دهند. بنابراین فرضیه های سوم و چهارم مبنی بر این که نرخ بیکاری و تورم موجب کاهش شادی می شوند نیز پذیرفته می شوند.

ضریب جینی نیز تأثیری منفی و معنی دار بر شادی داشته است. به عبارت دیگر با افزایش ضریب جینی و در نتیجه افزایش نابرابری توزیع درآمد، سطح شادی جامعه نیز کاهش می یابد. به عبارت دیگر افزایش نابرابری توزیع درآمد می تواند موجب تشدید احساس تبعیض و ناعدالتی در جامعه شود و این احساس به کاهش سطح شادی در جامعه دامن می زند. همچنین فرضیه پنجم مبنی بر این که نابرابری توزیع درآمد تاثیر کاهنده بر شادی دارد، پذیرفته می شود. نکته مهم و قابل توجه در نتایج برآورد این است که تاثیر منفی نابرابری توزیع درآمد بر شادی بسیار بیشتر از تاثیر منفی درجه باز بودن، تورم و بیکاری بوده است که نشان دهنده اهمیت ویژه نابرابری در تعیین میزان شادی در جامعه است. بنابراین به نظر می رسد برای تقویت سطح شادی در جامعه لازم است سیاست گذاران از طریق سیاست های بازتوزیعی درآمد هدف تقویت شادی در جوامع خود را دنبال نمایند.

نهایتاً آماره سارگان و آماره آزمون آرلانو و باند حاکی از اعتبار متغیرهای ابزاری و عدم ارتباط جزء خطا با متغیرهای ابزاری و درستی استفاده از روش گشتاوری تعمیم یافته دارد.

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اقتصاد شادی یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در سال‌های اخیر بوده است که به دلیل اهمیت آن، این تحقیق نیز بر موضوع شادی تمرکز نموده است. در این تحقیق ارتباط درجه بازبودن تجاری و شادی در کشورهای منتخب در حال توسعه در بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۲ مورد ارزیابی قرار گرفته است. بدین منظور از روش پانل گشتاوری تعمیم یافته استفاده شده است. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که درجه بازبودن تجاری تأثیری غیرخطی و آستانه‌ای بر شادی داشته است که در مراحل اولیه درجه باز بودن، تأثیر مثبت آن می‌تواند به دلیل تنوع کالاهای مصرفی و افزایش مطلوبیت باشد و تأثیر منفی آن در مراحل بعدی می‌تواند به دلایلی همچون افزایش نابرابری توزیع درآمد و اثرات جهانی شدن بر نهادهای غیررسمی باشد. این نتیجه سازگار با نتایج مطالعه ما و چن (۲۰۲۰) و متمایز از نتایج به‌دست آمده در مطالعات قبلی داخلی همچون مطالعه منصف و همکاران (۱۳۹۸) است که در مطالعه آنها تأثیر مثبت آزادی اقتصادی بر شادی بدست آمده است.

همچنین نتایج مدل تحقیق نشان‌دهنده تأثیر افزایشی درآمد سرانه بر شادی و تأثیر کاهشی نرخ بیکاری، تورم و نابرابری توزیع درآمد بر شادی است به طوری که تأثیر منفی نابرابری توزیع درآمد بر شادی بسیار بیشتر از تأثیر منفی توان دوم درجه باز بودن، تورم و بیکاری بوده است. برگرفته از نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود، کشورهای در حال توسعه در راستای حمایت اقشار آسیب پذیر از جهانی‌شدن و کاهش نابرابری توزیع درآمد، سیاست‌های بازتوزیعی درآمد و سیاست‌های حمایتی همچون بیمه بیکاری دنبال شود. همچنین کنترل نرخ تورم با سیاست‌های پولی نظام‌مند پیشنهاد می‌گردد.

برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود که ترکیب درجه بازبودن و شادی نیز مورد بررسی قرار گیرد. به دلیل این‌که اگر در بحث بازبودن، کشوری که نقش صادرکننده دارد با شرایطی که واردکننده باشد متفاوت است لذا پیشنهاد می‌شود صادرات و واردات نیز به صورت تفکیک‌شده در مطالعات آتی مورد آزمون قرار گیرند.

## منابع و مأخذ:

جعفری، محمد (۱۳۹۵)، سنجش عوامل مؤثر بر شادمانی در کشورهای اسلامی، پژوهشنامه‌ی اقتصاد کلان، ۱۱ (۲۲): ۸۴-۶۵.

منصف، عبدالعلی، معلمی، مژگان، بیابانی، جهانگیر، نجاتی، مهدی و طاهری‌زاده اناری پور، جواد (۱۳۹۸)، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل، فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۹(۳۶): ۱۵-۳۴.

نیلی، فرهاد، بابازاده خراسانی، بهزاد، شادکار، محمد سعید (۱۳۹۴)، بررسی وابستگی رفاه ذهنی مردم جوامع در حال توسعه به متغیرهای کلان اقتصادی، تحقیقات اقتصادی، ۵۰ (۱): ۲۱-۴۸.

Ahn, N. G., Juan, R. & Jimeno, J. F. (2004), The Impact of Unemployment on Individual Well-Being in the EU, European Network of Economic Policy Research Institutes (ENEPRI) Working Paper No. 29.

Appleton, S. & Song, L. (2008), Life satisfaction in urban China: Components and determinants, *World Development*, 36(11): 2325-2340.

Arellano, M., & Bond, S. (1991), Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The review of economic studies*, 58(2): 277-297.

Bentham, J. (1996), *An introduction into the principles of morals and legislation*, Oxford University Press, UK.

Bjornskov, C., Dreher, A. & Fischer, J. A. (2008), Cross-country determinants of life satisfaction: Exploring different determinants across groups in society. *Social Choice and Welfare*, 30(1): 119-173.

Chen, W. C. (2012), How education enhances happiness: Comparison of mediating factors in four East Asian countries. *Social indicators research*, 106(1): 117-131.

Dreher, A., & Gaston, N. (2008), Has globalization increased inequality?, *Review of International Economics*, 16(3): 516-536.

Di Tella, R. & MacCulloch, R. (2008), Gross national happiness as an answer to the Easterlin Paradox?, *Journal of Development Economics*, 86(1): 22-42.

Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999), Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological bulletin*, 125(2): 276-302.

Dixit, A. K. & Stiglitz, J. E. (1977), Monopolistic competition and optimum product diversity, *The American economic review*, 67(3): 297-308.

Dixit, A. K. and Victor D. Norman (1980), *Theory of International Trade*, Cambridge: Cambridge University Press.

Dolan, P., Peasgood, T. & White, M. (2008), Do we really know what makes us happy? A review of the economic literature on the factors associated with subjective well-being, *Journal of economic psychology*, 29(1): 94-122.

Frank, R. H. (1997), The frame of reference as a public good, *The Economic Journal*, 107(445): 1832-1847.

Frey, B. S., & Stutzer, A. (2000), What are the sources of happiness? (No. 0027), Working Paper.

Frey, B. S. & Stutzer, A. (2002), What can economists learn from happiness research?, *Journal of Economic literature*, 40(2): 402-435.

- Hirschman, A. O. & Rothschild, M. (1973), The changing tolerance for income inequality in the course of economic development with a mathematical appendix, *The Quarterly Journal of Economics*, 87(4): 544–566.
- Hiswals, A. S., Marttila, A., Malstam, E. & Macassa, G. (2017), Experiences of unemployment and well-being after job loss during economic recession: Results of a qualitative study in east central Sweden, *Journal of Public Health Research*, 6(3): 135-141.
- IMF (International Monetary Fund) (2001), *Global Trade Liberalization and Developing Countries*, Washington, DC: IMF.
- Kahneman, D., Wakker, P. P. & Sarin, R. (1997), Back to Bentham? Explorations of experienced utility, *The quarterly journal of economics*, 112(2): 375-406.
- Kalmijn, W. & Veenhoven, R. (2005), Measuring inequality of happiness in nations: In search for proper statistics, *Journal of Happiness Studies*, 6(4): 357-396.
- Kittiprapas, S. (2009), Subjective-well-being: New paradigm for measuring progress and public policies, [www.oecd.org](http://www.oecd.org).
- Knabe, A., & Rätzl, S. (2010), Income, happiness, and the disutility of labour, *Economics Letters*, 107(1):77-79.
- Knight, J., Lina, S. O. N. G. & Gunatilaka, R. (2009), Subjective well-being and its determinants in rural China, *China economic review*, 20(4): 635-649.
- Lancaster, K. (1980), Intra-industry trade under perfect monopolistic competition, *Journal of international Economics*, 10(2): 151-175.
- Lin, C. H. A., Lahiri, S. & Hsu, C. P. (2017), Happiness and globalization: A spatial econometric approach, *Journal of Happiness development, Studies*, 18(6): 1841-1857.
- Milanovic, B. (2003), The two faces of globalization: against globalization as we know it, *World development*, 31(4): 667-683.
- Ma, Y. & Chen, D. (2020), Openness, rural-urban inequality, and happiness in China. *Economic Systems*, 44(4): 1-14.
- Ng, Y. (1997), A Case for Happiness, Cardinalist, and Interpersonal Comparability, *The Economic Journal*, 107(445): 1848-1858.
- Oishi, S., Kesebir, S. & Diener, E. (2011), Income inequality and happiness. *Psychological science*, 22(9):1095-1100.
- Polanyi, Karl (1944), *The Great Transformation*, Boston: Beacon Press.

- Ruprah, I. J. & Luengas, P. (2011), Monetary policy and happiness: Preferences over inflation and unemployment in Latin America. *The Journal of Socio-Economics*, 40(1): 59-66.
- Sacks, D. W., Stevenson, B., & Wolfers, J. (2012), The new stylized facts about income and subjective well-being, *Emotion*, 12(6): 1181-1187.
- Stanca, L. (2010), The Geography of Economics and Happiness: Spatial Patterns in the Effects of Economic Conditions on Well-Being, *Social Indicators Research*, 99(1):115-133.
- Stiglitz, J. E., Amartya, S. & Jean P. F. (2009), Report by the Commission on the Measurement of Economic Performance and Social Progress.
- Tsai, M. C. (2007), Does globalization affect human well-being?. *Social Indicators Research*, 81(1): 103-126.
- Tsai, M. C., Chang, H. H., & Chen, W. C. (2012), Globally happy: Individual globalization, expanded capacities, and subjective wellbeing, *Social Indicators Research*, 108(3): 509-524.
- Van Praag, B. M., Van Praag, B., & Ferrer-i-Carbonell, A. (2004), *Happiness quantified: A satisfaction calculus approach*, Oxford University Press.
- Veenhoven, R. (1990), Inequality in happiness, inequality in countries compared between countries, Paper 12th World Congress of Sociology, Madrid, Spain.
- Veenhoven, R. (2000), Well-being in the welfare state: Level not higher, distribution not more equitable. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 2(1): 91-125.
- Veenhoven, R. (2002), Die Rückkehr der Ungleichheit in die moderne Gesellschaft? Die Verteilung der Lebenszufriedenheit in den EU-Ländern von 1973 bis 1996 (Return of inequality in modern Society? Dispersion of life-satisfaction in EU-nations 1973 -1996).
- Veenhoven, R. (2004), World Database of Happiness: Continuous register of research on subjective enjoyment of life. Available at the website of Erasmus University Rotterdam in the Netherlands.
- Veenhoven, Ruut (1990), Inequality in Happiness, Paper presented at the 12th World Congress of Sociology in Madrid July 1990. Working Group Social Indicators and Quality of Life. Session 7, Social trends and Inequality.
- Veenhoven, R. (2007), Measures of Gross National Happiness, Presentation at OECD STATISTICS, Knowledge and Policy, Roundtable on "Measuring Happiness and Making Policy", Istanbul, Turkey.
- Wang, N., Kosinski, M., Stillwell, D. J., & Rust, J. (2014), Can well-being be measured using Facebook status updates? Validation of Facebook's Gross National Happiness Index, *Social Indicators Research*, 115(1): 483-491.

World Bank (2009), World Development Indicators, Washington DC: World Bank.

Xin, W. & Smyth, R. (2010), Economic openness and subjective well-being in China. *China & World Economy*, 18(2): 22-40.

Yu, Z. & Wang, F. (2017), Income Inequality and Happiness: An Inverted U-Shaped Curve, *Front Psychol*, 8: 1-6.